

## Political-Legal Implications of Constitutional Revision in the Second Step of the Islamic Revolution

Hossein Naeem Abadi \*, Mehdi Motahhar Nia \*\*, Reza Parizad\*\*\*

### Abstract

With the establishment of the Islamic Republic and the approval of the Constitution in the early years of the glorious Islamic Revolution and then its revision in 1989, the semi-parliamentary semi-parliamentary system in the Islamic Republic of Iran began to function, The Islamic Republic of Iran has started to work and now, after nearly three decades of its life, like all existing governmental structures in the world, it has revealed its strengths and weaknesses. Therefore, considering that the current semi-presidential semi-parliamentary system has sometimes faced problems and challenges, the issue of revising the Constitution of the Islamic Republic of Iran has become a serious discussion among experts for several years; Some of them have considered the implementation of the existing laws and the correction of personal behaviors as a reason to get out of these problems, and others consider it desirable to change the structure and move towards a parliamentary system or an absolute presidency. Therefore, in this article, we intend to address the implications of revising the constitution adopted in 1989.

**Keywords:** Constitution, Pathology, Revision, Velayat-e-Faqih, the Second Step of the Islamic Republic

---

\* PH.D Candidate in Political Studies, Shadid Mahallati Higher Education Institute, Qom, Iran

\*\* Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Political Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

\*\* Assistant Professor, Department of Political Studies, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran

شاپا چاپی: ۳۶۷۴ - ۲۷۱۷  
شاپا الکترونیکی: ۳۶۶۶ - ۲۷۱۷

نشریه علمی  
آینده پژوهی انقلاب اسلامی

(پاییز ۱۴۰۰، سال ۲، شماره ۳: ۷۸ - ۶۱)



## استلزامات سیاسی - حقوقی بازنگری قانون اساسی در گام دوم انقلاب اسلامی

حسن نعیم آبادی\*، مهدی مطهرنیا\*\*، رضا پریزاد\*\*\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

### چکیده

با استقرار نظام جمهوری اسلامی و تصویب قانون اساسی در سال‌های اولیه انقلاب شکوهمند اسلامی و سپس بازنگری آن در سال ۱۳۶۸، نظام نیمه‌ریاستی - نیمه پارلمانی در جمهوری اسلامی ایران شروع به کار کرد و اینک بعد از گذشت نزدیک به سه دهه از عمر خود، همانند تمام ساختارهای حکومتی موجود در دنیا، نقاط قوت و ضعف خود را آشکار نموده است؛ لذا با عنایت به این موضوع که نظام نیمه‌ریاستی - نیمه پارلمانی کنونی در برخی مواقع با مشکلات و چالش‌هایی مواجه بوده، چند سال است که موضوع بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بحثی جدی میان صاحب‌نظران تبدیل شده است؛ به طوری که عده‌ای از آن‌ها عمل به قوانین موجود و اصلاح رفتارهای شخصی را دلیلی برای برون‌رفت از این مشکلات عنوان کرده‌اند و دسته‌ای دیگر، تغییر ساختار و حرکت به سمت نظام پارلمانی یا ریاستی مطلق را مطلوب می‌دانند؛ لذا در این نوشتار برآنیم تا به استلزامات بازنگری در قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ بپردازیم.

**کلیدواژه‌ها:** قانون اساسی؛ آسیب‌شناسی؛ بازنگری؛ ولایت فقیه؛ گام دوم انقلاب اسلامی.

Naim1363@yahoo.com

\* دانشجوی دکتری علوم سیاسی، مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی، قم، ایران

\*\* نویسنده مسئول: استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

Dmmotaharnia@gmail.com

R\_parizad@yahoo.com

\*\*\* استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران

## مقدمه

پس از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی، تهیه، تنظیم و تصویب قانون اساسی، مهم‌ترین دغدغه فراروی انقلاب و رهبری آن بود. حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> در چهاردهم خرداد ۱۳۵۸ طی فرمان به نخست‌وزیر دولت موقت مهندس مهدی بازرگان تأکید فرمودند «لازم است ملت مبارز ایران هرچه زودتر سرنوشت آینده مملکت خویش را بر دست گیرند و ثمره عظیم انقلاب اسلامی خود را در همه روابط و نظامات اجتماعی به‌دست آورد و حقوق ازدست‌رفته خود را بازیابد» (امام خمینی، ۱۳۹۰: ۴۸۲)؛ از این رو تدوین‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از یک سو با استفاده از تجارب سایر نظام‌های سیاسی در بُعد مدیریت اجرایی و تقنینی کشور و از سوی دیگر، به‌دلیل اهتمام زیاد نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبر آن به اعمال حق حاکمیت مردم در تمام زمینه‌ها، از میان سه نوع برداشت متفاوتی که از تفکیک قوا در دنیا مرسوم است، نظام نیمه‌پارلمانی را در چگونگی شکل‌دادن به قوه مجریه برگزیدند.

براساس این انتخاب، حاکمیت ملی از سوی مردم به‌طور مستقیم (انتخاب ریاست‌جمهور) و غیرمستقیم (انتخاب نخست‌وزیر توسط نمایندگان مجلس) اعمال می‌گردید. بر این اساس، در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، قوه مجریه غیرمتمرکز و دورکنی در نظر گرفته شد. اما این نوع از نظام سیاسی مشکلاتی را به همراه داشت، به‌طوری‌که در پایان جنگ تحمیلی و اواخر عمر حضرت امام خمینی<sup>(ره)</sup> در سال ۱۳۶۸ مورد بازنگری قرار گرفت.

قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی کشور و راهنمایی برای تنظیم دیگر قوانین است و بر همین اساس، هیچ قانون دیگری نباید با آن مغایرت داشته باشد و به دلیل جایگاه و منزلت مهم و راهبردی آن، می‌بایست کمتر دست‌خوش تغییر، بازنگری و دگرگونی قرار گیرد؛ اما امروز ۳۲ سال از بازنگری و ترمیم آن در سال ۱۳۶۸ می‌گذرد و انقلاب اسلامی وارد دهه پنجم و گام دوم شده است؛ لذا با توجه به صدور اسناد راهبردی نظام، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، حرکت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی و خوانش فراشیعی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی، بالابردن کارآمدی نظام مردم‌سالاری دینی، روزآمد کردن آن و رفع کاستی‌ها و اشکالات، می‌طلبد این

سند راهبردی و میثاق ملت مورد بررسی آسیب‌شناسانه، اصلاح و بازنگری قرار گیرد. اهداف اصلی پژوهش حاضر، آسیب‌شناسی نظام سیاسی، چرایی و استلزامات بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی و ارائه الگوی جدید نظام سیاسی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی می‌باشد؛ لذا سؤالات اصلی این گونه مطرح می‌شوند که مهم‌ترین آسیب‌های نظام سیاسی موجود چیست و مهم‌ترین استلزامات بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی کدام است؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بنابه اعتقاد نظریه‌پردازان رویکرد ساختی - کارکردی، بهترین شیوه و روش برای درک کل واقعیت ساختاری، ادراک آن به عنوان «سیستم» می‌باشد (بشیریه، ۱۳۸۵: ۸۵). مطابق این رویکرد، نظام سیاسی هم‌چون سیستم‌های مکانیکی یا ارگانیکی، مجموعه‌ای از اجزاست که بین آن‌ها روابط متقابل وجود دارد. در این فرایند، هر نظام سیاسی به‌منظور حفظ، تداوم و استمرار خود چهار کارویژه اصلی را انجام می‌دهد که عبارت است از ۱) حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی<sup>۱</sup> که این کارویژه به‌وسیله نهادهایی چون مذهب، فرهنگ و خانواده انجام می‌شود که روی هم رفته تشکیل دهنده نظام ارزشی جامعه هستند؛ ۲) ایجاد همبستگی و حل منازعه<sup>۲</sup> که به‌موجب نظام هنجاری یا حقوقی، نظام حقوقی در هر جامعه‌ای مجری این کارویژه است؛ ۳) نیل به اهداف<sup>۳</sup> که به‌وسیله نظام سیاسی انجام می‌شود و ۴) هماهنگ‌شدن با شرایط متغیر و جدید<sup>۴</sup> که به‌وسیله نهادهای نظام اقتصادی اجرا می‌گردد (اروم<sup>۵</sup>، ۱۹۸۳). نظام سیاسی نیز در جمهوری اسلامی ایران مانند سایر نظام سیاسی و مطابق رویکرد ساختی - کارکردی، این کارویژه‌های چهارگانه را دارد. ایدئولوژی و قانون اساسی کارویژه نخست، «حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی» را اجرا می‌کند، دستگاه قضایی وسیله اجرای کارویژه دوم «ایجاد همبستگی و حل منازعه» است. دستگاه دیوانی یا

1. Maintaining social cohesion and solidarity
2. Build solidarity and resolve conflict
3. Achieve goals
4. Adapt to changing and new conditions
5. Orum

بوروکراسی کارویژه سوم «حصول به اهداف» را اجرا می کند و دستگاه اجرایی یا حکومت، مسئول اجرای کارویژه چهارم «هماهنگ شدن با شرایط متغیر و جدید» است. به رغم اذعان به جامعیت کارکرد قانون اساسی در پیوند ساختی ارکان نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه حصول به اهداف در فرایند همبستگی و اتحاد ملی، در پژوهش حاضر صرفاً به لزوم بازنگری قانون اساسی در سومین و چهارمین کارویژه نظام سیاسی، یعنی کارویژه حصول به اهداف و هماهنگ شدن با شرایط متغیر و جدید پرداخته و در پی آن است تا با استفاده از دو رویکرد (۱) گذشت زمان و نیاز جامعه و (۲) اهمیت مردم سالاری دینی، احترام به حق تعیین سرنوشت و الزامات آن و با رویکرد گام دوم انقلاب اسلامی و حرکت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، به تبیین موضوع و پاسخ به سؤال در این زمینه ها و استلزامات بازنگری قانون اساسی پردازد. بررسی مطالعات و آثار منتشر شده درباره بازنگری قانون اساسی، نشان می دهد در این حوزه، پژوهش های موردی انجام شده است؛ اما این پژوهش ها بیشتر به زمینه های بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۵۸ پرداخته است، از جمله:

(۱) نیکونهاد و مدرس (۱۳۹۹)، در پژوهشی با عنوان «امکان سنجی نقش آفرینی مردم در ابتکار بازنگری قانون اساسی» به شیوه توصیفی و تحلیلی، با بررسی مبانی مشارکت مردم در ابتکار بازنگری از منظر حقوق بنیادین و اصولی از قانون اساسی که دلالت بر حاکمیت مردم دارد و هم چنین با انعکاس دیدگاه قانون گذار اساسی و با وفاداری و استناد به قانون اساسی فعلی، در جهت تقویت نقش مردم در ابتکار بازنگری قانون اساسی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا رئیس جمهور گام برداشته است.

(۲) منصوری بروجنی (۱۳۹۶)، در پژوهشی با عنوان «ارزیابی فرایند بازنگری قانون اساسی در چارچوب مردم سالاری دینی» با تأملی آسیب شناسانه در چگونگی بازنگری قانون اساسی، ما را متوجه بایسته هایی می کند که در نظر گرفتن و تحقق برخی از آن ها، نیازمند اصلاح قانون اساسی است و برخی دیگر را باید در محتوای قانون بازنگری قانون اساسی در نظر گرفت. مشخصاً قانون بازنگری باید راجع به حدود اختیارات مقام مبتکر بازنگری، نحوه تعیین اعضای انتخابی شورای

بازنگری و افزودن فرآیندهای مشارکت‌جویانه به فرآیند تصویب قانون اساسی تصمیم‌گیری کند. ۳) مومنی‌راد و بهدادفر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی موانع، زمینه‌ها و راه کارهای پارلمانی‌شدن نظام جمهوری اسلامی» با تبیین نظام نیمه‌ریاستی نیمه‌پارلمانی جمهوری اسلامی ایران که بعد از بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸ شروع به کار کرد، بیان می‌کند که بعد از گذشت چهاردهه از عمر خود، همانند تمام ساختارهای حکومتی موجود در دنیا، نقاط قوت و ضعف خود را آشکار نموده است؛ لذا با عنایت به این موضوع که نظام نیمه‌ریاستی - نیمه‌پارلمانی کنونی در برخی مواقع با مشکلاتی مواجه بوده، چند سال است که موضوع پارلمانی‌شدن جمهوری اسلامی ایران به بحثی جدی میان صاحب‌نظران تبدیل گشته است، به طوری که عده‌ای از آن‌ها عمل کردن به قوانین موجود و اصلاح رفتارهای شخصی را دلیلی برای برون‌رفت از این مشکلات عنوان کرده‌اند و دسته‌ای دیگر، تغییر ساختار و حرکت به سمت نظام پارلمانی را مطلوب می‌دانند. ۴) باباپور گل‌افشانی و سلطانی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «بررسی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: فرآیند و دلایل تاخیر آن» بیان می‌نمایند که عدم ذکر بازنگری در قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸، نشانه غفلت یا بی‌توجهی به موضوع نبوده است؛ بلکه بیشتر به این خاطر بوده که قانون اساسی را از دست طوفان‌ها، بحران‌ها و هوی و هوس‌های گروه‌های مخالف حفظ کنند. به دلیل سرعت عمل در تدوین و تصویب قانون اساسی و عدم تجربه حکومتی و شرایط خاص زمان انقلاب، این قانون نمی‌توانست بدون اشکال و ایراد باشد و با آشکارشدن پاره‌ای از اشکالات اجرائی در قانون اساسی، ضرورت تجدیدنظر و بازنگری در آن‌ها لازم بود که به دلیل جنگ، اختلاف مسئولان و عدم تجربه علمی و عملی، بستر مساعد و مستعد برای این امر فراهم نشد و بازنگری ۱۰ سال به تأخیر افتاد.

## روش پژوهش

یکی از روش‌هایی که برای این‌گونه پژوهش‌ها به کار می‌رود، روش «فرا ترکیب»<sup>۱</sup> است.

فرا ترکیب روشی است که هم از مطالعات کمی و هم از مطالعات کیفی به عنوان منبع داده استفاده می کند. در فرا ترکیب به بررسی ایده ها، ذهنیات، رویکردها، نتایج و یافته های پژوهش های کیفی و کمی پیشین پرداخته می شود (بیر، ۱۹۹۹).<sup>۱</sup> روش پژوهش حاضر بیشتر از فرا ترکیب کیفی استفاده کرده، از این رو جزء پژوهش های توصیفی - تحلیلی محسوب شده و داده های پژوهش با روش مطالعه کتابخانه ای، اسنادی و فیش برداری گردآوری شده اند.

## یافته های پژوهش

### آسیب شناسی نظام سیاسی موجود:

واژه آسیب شناسی<sup>۲</sup> مفهومی است که از علوم زیستی وارد علوم اجتماعی شده است و این ورود مبتنی بر تشابهاتی است که دانشمندان بین بیماری جسمی و انحرافات اجتماعی قائل بودند. در واقع شکل گیری و رشد جامعه شناسی در قرن ۱۹، بهره گیری از علوم مختلف را برای بیان فرآیندهای اجتماعی معمول گردانده و در نتیجه بسیاری از اصطلاحات رایج در علوم دیگر در جامعه شناسی نیز به کار گرفته شد که از آن جمله می توان آسیب شناسی را نام برد. این واژه از ریشه یونانی (Patho) به معنای رنج، احساس، محنت و غضب و (Logy) به معنای دانش و شناخت ترکیب یافته هاست (آریان پور کاشانی، ۱۳۸۲) که در نهایت وارد حوزه جامعه شناسی شد و از همین رو، در ابتدا همان معنایی از آسیب شناسی اراده می شد که آسیب در علم پزشکی مورد نظر بود؛ یعنی جامعه و اجزای آن را موجودی زنده می پنداشتند که آسیب اجتماعی، نقصانی را در آن پدید می آورد.

انقلاب اسلامی سرآغاز و الهام بخش بسیاری از حرکت های ضد استعماری و نهضت های استکبارستیز قرار گرفت و با گذشت بیش از یک ربع قرن، هم چنان بزرگ ترین دشمن و مانع قدرت های تمامیت خواه و استعمارگراست.

شناخت چالش ها، آسیب ها و آفت هایی که انقلاب اسلامی را تهدید می کنند، نخستین و

7. Bair

8. Pathology

اساسی‌ترین قدم در جلوگیری از پیدایش و رشد آن‌هاست. امام محمدباقر (علیه‌السلام) حفظ عمل و استمرار آن‌را از خود عمل مهم‌تر و دشوارتر برمی‌شمارند «لا بقاء العمل اشدُّ من العمل» (بحارالانوار، ۱۳۸۶: ۲۹۲). حضرت امام خمینی (ره) رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی که انقلاب را از فراز و نشیب‌های فراوان و امواج متلاطم فتنه‌های شکننده به سلامت عبور داده، درباره سختی و مشقت حفظ دستاوردهای پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرمایند «بدانید که حفظ یک پیروزی مشکل‌تر است از پیروزی به‌دست آوردن، کشورگشایی از حفظ کشور آسان‌تر است، الآن ما در شکل حفظ نظام جمهوری اسلامی هستیم؛ یعنی آن مرحله اول که پیروزی ابتدایی بود گذشت و پیروز شدید بحمدالله، لکن بقای این پیروزی و بقای این دستاوردهایی که شما به دست‌تان آمد امروز مشکل‌تر از خود آن پیروزی است که به دست‌تان آمده، نگهداری اش مشکل‌تر است» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰: ۲۸).

انقلاب اسلامی همواره از درون و بیرون با آسیب‌ها، آفت‌ها، چالش‌ها و تهدیداتی مواجه است که در صورت غفلت مردم و مسئولان، به تدریج به انحراف، استحاله یا نابودی کشیده می‌شود. حضرت امام (ره) درباره آسیب‌شناسی و زیان‌های غفلت که عامل مهمی در آسیب‌رسانی به انقلاب اسلامی است، می‌فرماید «یک کشوری وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد راجع به آسیب‌ها» (امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰: ۱۶۰).

هشدارهای مقام معظم رهبری نیز در چند سال اخیر به همین دلیل است تا هم مردم و هم مسئولان، آسیب‌های تهدیدکننده انقلاب را جدی تلقی نمایند و با سیاست‌گذاری صحیح، جامعه را واکنش‌ناپذیر نمایند «عزیزان من گاهی یک غفلت، یک بی‌توجهی، یک سستی، یک سهل‌انگاری ممکن است یک محصول عظیم را از دست یک ملت بگیرد» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۲۱).

به‌طور کلی آسیب‌هایی که در سطوح راهبردی و اجرایی، انقلاب اسلامی را به چالش می‌کشد یا تهدید می‌نماید، به اعتبارات گوناگون قابل تقسیم است که در زیر به مواردی اشاره می‌شود:



۱. به اعتبار مراحل مختلف شکل گیری در سه مرحله نفوذ، استحاله و براندازی؛
۲. بر مبنای شکل گیری انقلاب و نظام اسلامی مانند آسیب های مبنایی، تئوریک، نظری، ساختاری و آسیب های فرایندی؛
۳. به اعتبار اصناف و اقشار مورد تهدید مانند آسیب هایی که روحانیت، دانشگاهیان، روشن فکران و ... انقلاب را تهدید می نماید؛
۴. به اعتبار موضوعات کلی و عام مانند آسیب های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظام و امنیتی و
۵. آسیب هایی که مدیریت کلان نظام یا ساختار کلان نظام را اعم از رهبری و قوای سه گانه تهدید می نماید (حاجی صادقی، ۱۳۸۳).

### استلزامات سیاسی - حقوقی بازنگری قانون اساسی:

#### الف) ارتقای کارآمدی

۱) انقلاب اسلامی با مطلعی شیعی بوده و این، افتخار بزرگی برای ما ایرانیان به شمار می رود. در زمانی که شعار انقلاب اسلامی شعار تمدن سازی نوین اسلامی است، قطعاً مهم ترین بستی که می تواند در این راستا نقش آفرین و تأثیرگذار باشد، قانون اساسی تمدن ساز است که مبتنی بر دین، عقلانیت، تجربه گرایی و هم نوایی با ارزش های اجتماعی روز باشد. اگر بخواهیم انقلاب اسلامی در قرن ۲۱ پرتو افشانی نماید و بسیاری از ملل و آزادی خواهان انقلاب را با خود همراه نماید، باید اصلاحاتی در خوانش فراشیعی از ایدئولوژی انقلاب اسلامی در راستای وحدت مسلمانان و ادیان الهی و حقوق انسانی که ایران و اسلام قرن هاست با افتخار پرچم داران آن هستند، صورت گیرد.

۲) از گذشته تاکنون درباره ولایت فقیه و حدود اختیارات آن میان فقها اختلاف نظر بنیادین بوده است. برخی از مراجع و فقهای بزرگوار، ولایت فقیه را در حد «ابن السبیل، ایتام و مجهول المالک» می دانند، در حالی که برخی فقها مثل حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب، اختیارات رسول گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) و ائمه معصومین (علیهم السلام) را برای فقیه جامع الشرایط فرض می دانند.

به تعبیر دیگر ولایت مطلقه فقیه، ولایت مقیده فقیه و ولایت و کالتی و ...، برداشت‌های مختلف در حوزه اختیارات ولی فقیه می‌باشد؛ هم‌چنین در نظریه انتخاب یا انتصاب ولی فقیه. باید گفت که قانون اساسی جای اختلاف برداشت‌ها نیست و باید جای محکمی باشد که به آن اتکا کرد که بر این اساس، در قانون اساسی نیاز به بازتعریف داریم.

۳) موضوع دیگری که کارآیی و کارکرد نظام را دچار مشکل کرده است، مداخلات نابه‌جای سیاست در اجراست «بسیاری از فسادها به دلیل آمیختگی مسائل اداری با مسائل سیاسی است» (احمدی، ۱۳۹۴: ۹۹). امروزه خرد جمعی بشر به اینجا رسیده است که اصولاً برای احتراز از فساد قدرت، باید مقامات سیاسی به صورت گردشی و براساس انتخاب مردم باشند؛ اگرچه در پیش‌گرفتن همین رویه در مورد مقامات اداری، صحیح نیست و موجبات تزلزل نظام اداری را فراهم خواهد آورد. به همین سبب این‌گونه مقامات بر مبنای اصل شایسته‌سالاری انتخاب می‌شوند و معمولاً وضعیت ثابت‌تری دارند. از طرف دیگر وقتی قرار شد افراد حرفه‌ای و متخصصان اداره امری را برعهده بگیرند، معمولاً کسی مانند خودشان را بر رأس کار قرار می‌دهند. توجه به نحوه اداره سازمان عمومی غیردولتی مانند سازمان نظام پزشکی، کانون و کلا و ...، فهم این مطلب را آسان‌تر می‌کند؛ اما زمانی که پارلمان قصد دخالت در مدیریت‌های اجرایی را داشته باشد ملاک اول آن، چه خواهد بود؟

#### ب) اقتضانات مردم‌سالاری و شایسته‌سالاری دینی:

یکی از ویژگی‌های نظام‌های سیاسی دموکراتیک و مردم‌سالار، اتکا به آرای عمومی و مشارکت مردم در اداره امور کشور است. این حق عمومی در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به‌دست آوردن آزادی‌های مردمی است. یکی از اساسی‌ترین موضوعات در اندیشه سیاسی - اجتماعی حضرت امام خامنه‌ای که در کارآمدی حکومت اسلامی نقش اساسی دارد، لزوم تعیین سرنوشت مردم از طریق مشارکت سیاسی فعال در همه امور و پشتیبانی مردم در حکومت است، حکومت از انجام وظایف خودناتوان خواهد بود و دیگر پایدار نخواهد بود. امروزه نقش مردم در حکومت‌های دموکراتیک انکارناپذیر است لذا:

- (۱) در اعمال حاکمیت ملت و تحقق مردم سالاری واقعی باید همه تراحمات و تعارضات با آن برداشته شود. انحصارات دولتی، اختیارات و امتیازات ویژه که در قانون اساسی برای حوزه‌های دولتی و بخش غیرخصوصی ذکر شده است، نیاز به بازنگری جدی دارد. (دارابی، ۱۳۹۶).
- (۲) اگرچه اصول تفکیک قوا در قانون اساسی جمهوری اسلامی به رسمیت شناخته شده است؛ اما آشکارترین برتری قوه مجریه که انحصار برنامه و بودجه کشور را در اختیار دارد بر سایر قوا ملموس است. در این میان قوه قضاییه که ضامن عدالت و اجرای قانون و ناظر بر آن است، از بقیه ضعیف‌تر است و با اصلاح قانون اساسی، پایه اقتدار قوه قضاییه به آن برگردانده شود (همان).
- (۳) نمی‌توان کشور را با رودربایستی، تعارض و سلیقه اداره کرد و قرار نیست با هر انتخابات در کشورمان و فراز و فرود جریان‌ها، زلزله سیاسی و قلع و قمع جناحی صورت گیرد. تخریب به معنای شایسته سالاری و شایسته‌گزینی، نظارت، پرسش‌گری و مکانیسم مناسب توزیع قدرت، باید در قانون اساسی جایگاه بایسته‌ای به دست آورد.
- (۴) تناسب میان توزیع اختیارات، وظایف و پاسخ‌گویی برای همه نهادها، باید متناسب با اختیارات، مکانیزم و مراجع پاسخگویی‌شان مشخص باشد. شفافیت، پاسخ‌گویی و قانون‌گرایی از مؤلفه‌های مهم حکمرانی خوب است (همان).
- (۵) از طرف دیگر نمایندگان، نیازمند آرای مردم هستند؛ لذا در درجه اول، هم‌سوئی سیاسی مدیر، برای آن‌ها مهم است تا بتوانند از مدیر حداکثر بهره‌برداری را برای فرایند تبلیغات انتخاباتی ببرند. اینجاست که کارآمدی و شایسته‌سالاری، فدای ملاحظات سیاسی می‌شود و خسارت‌های سنگین و جبران‌ناپذیر و خروج نخبگان از دایره اداره‌کنندگان جامعه اتفاق می‌افتد، بنابراین لازم است تا برای این موضوع راه‌کاری اندیشیده شود.
- لذا استقرار نظام شایسته سالاری آرمانی است که مورد تأکید و توجه اندیشمندان و فلاسفه از گذشته تا به حال بوده و هر نظام سیاسی به دنبال تحقق آن است. شایسته‌سالاری ریشه در دین و آموزه‌های دینی ما داشته و با آن آمیخته است و اساساً حکومت صالحان و انبیا هم در همین راستا ارزیابی می‌شود. انقلاب اسلامی و حرکت عظیم مردمی آن به رهبری حضرت امام<sup>(ره)</sup> در محو

طاغوت و استقرار نظام جمهوری اسلامی، مؤید همین موضوع شایسته خواهی و شایسته سالاری است. بر این اساس، رعایت و حاکمیت اصل شایسته سالاری در حکومت اسلامی ایجاب می کند برای ورود افراد به جایگاه های مهم سیاست گذاری و تصمیم گیری، نظامی طراحی شود که از میان افراد واجد صلاحیت، حتی المقدور با تقواترین و متخصص ترین (شایسته ترین) آن ها در آن منصب قرار گیرد.

### ج) ملاحظات زمانی (به روز بودن):

۱) آنچه در حال حاضر در نظام سیاسی ما غایب است، عدم درک لوازم و مقتضیات برتر بودن قانون اساسی است. اگر ما یاد می گرفتیم درحقیقت حرمت گذاشتن به قانون اساسی و مشروعیت نظام سیاسی، کارآمدی نظام مدیریتی را بالا می برد، قطعاً در فرآیند مدیریت و تصمیم سازی خود تجدیدنظر می کردیم. غایت الغایات قانون اساسی چیست؟ تنظیم و تعدیل خردمندانه قدرت و تضمین حق ها و آزادی های شهروندان، به تعبیری هدف اصلی قانون اساسی است (گرگی، ۱۳۹۷).

۲) بی شک برترین سند حقوقی کشور و راهبردی ترین سند حکمرانی کشور قانون اساسی است؛ لذا می بایست با انتظارات و مطالبات جدید جامعه در گام دوم انقلاب اسلامی و متناسب با تحولات زمانه، پویا، به روز، همخوان و هماهنگ باشد و در برابر به روزرسانی و نوسازی نظام سیاسی و حقوقی مقاومت نشان دهد که در غیر این صورت، تردید نکنید که نتیجه آن، ناکارآمدی و بحران های عدیده ای است که دیروز و امروز در ایران شاهد آن بودیم.

### د) تغییر و تحول در نظام جهانی:

طبق نظریات جدید سیاسی، دولت ها منفعل، کوچک، محدود، مدیر و در مجموع فعالیت آن ها کم است. این امر نشان می دهد که نگرش دنیا به عرصه سیاست و رابطه مردم و حکومت تغییر کرده است. از سوی دیگر، مرزهای جغرافیایی و ملی در نتیجه انقلاب ارتباطات در قرن بیست و یکم که افزایش تعاملات ساختاری (داخلی و بین المللی) را در پی داشته است، نفوذپذیرتر شده و ضمن کاهش روزافزون اقتدار دولت ها، بر تعداد بازیگران غیردولتی و حکومتی افزوده است، تا

آنجا که دولت‌ها در بسیاری از موارد برای ادامه حیات خود، قدرت خویش را با بسیاری از نهادهای غیرحکومتی تقسیم کرده‌اند (قوام ۱۳۸۴: ۱۵۳).

با این اوصاف حتی در دموکراتیک‌ترین کشورهای غربی اعتراضات مردمی نشان‌دهنده این واقعیت است که آن‌ها خواهان سهم بیشتری در عرصه حکومت و متعاقب آن خواستار کاهش تصدی‌گری دولت هستند. باید توجه داشت که اگرچه در نظام‌های ریاستی مردم دو بار رأی می‌دهند و این تلقی ایجاد می‌شود که سطح مشارکت مردم بیشتر از الگوی پارلمانی است، نباید از این نکته غفلت کرد که در نظام‌های پارلمانی نمایندگان مردم به صورت مداوم و تا پایان فعالیت دولت بر آن نظارت و کنترل مستقل دارند و این سبب می‌شود تا بگوئیم نقش مردم در الگوی پارلمانی و نیمه‌پارلمانی بیشتر از ریاستی است. درحالی که الگوی ریاستی، پس از انجام انتخابات و انتخاب رئیس‌جمهوری عملاً نقش و تأثیرگذاری مردم بر رئیس‌جمهوری - اگر نگوییم قطع می‌شود - بسیار پایین است. با توجه به تغییر نگرش به نظام‌های ریاستی در قلمرو نظریه‌های سیاسی، اگر کشوری تغییر در ساختار سیاسی خود را دنبال کند، عملکردی متناسب با تحولات نظری در قلمرو سیاست انجام داده است. بر همین اساس دیدگاه نویسندگان این نوشتار آن است که شاید طرح تحول در نظام از ریاستی به پارلمانی و نیمه‌پارلمانی در ایران را بتوان در این راستا ارزیابی نمود و البته تحولات اخیر در کشورهای منطقه و نیز بروز اعتراضات در اروپا و شدت گرفتن آن، می‌تواند شاهی بر این تغییر نگرش در قلمرو نظریه و عمل سیاسی در دنیا باشد.

#### ه) مشخص نبودن جایگاه نهادهای دموکراتیک

احزاب با وجود جایگاه مشخص در نظام سیاسی و نقش آن‌ها در نظام خط‌مشی‌گذاری، به دلایل مختلف نتوانسته‌اند عملکرد مثبت و مؤثر در فرآیند داشته باشند. تا قبل از سال ۷۶ تنها ۳۵ حزب به طور رسمی در کشور ثبت گردیده است و در حال حاضر بیش از ۳۱۰ حزب و تشکل در کشور ثبت گردیده است. احزاب به‌عنوان یک نهاد مظهر مردم‌سالاری در صورت برقراری سازوکارهای مشارکت می‌توانند در نظارت بر عملکرد، مشارکت مردم، سلامت نظام و کارآیی ساختار نظام سیاسی مؤثر واقع شوند.

از ظرفی نقش گروه‌های غیررسمی در ساختار سیاسی موجود نیز روشن و مشخص نیست. به‌عنوان مثال به نقش مطبوعات به‌عنوان رکن چهارم دموکراسی - که نقش بارزی در آگاهی‌بخشی به جامعه و روشن شدن افکار عمومی برعهده دارند - در ساختار و نظام سیاسی فعلی ما به‌دلیل عدم اجرای نقش سایر عناصر، اهمیت داده نمی‌شود. هم‌چنین وجود شوراهای اسلامی با توجه به ساختار کنونی که می‌توانند نقش فعالی در کشور به‌عنوان مجالس محلی بازی کنند از همین گروه می‌باشد.

#### (و) نظارت در ساختار سیاسی قدرت:

پژوهشگران سیاسی، بسته به ایدئولوژی و جهان‌بینی خود، تعریف‌های گوناگونی از قدرت ارائه داده‌اند؛ اما هیچ تعریفی که مورد اتفاق همه باشد در این زمینه وجود ندارد. برترند راسل قدرت را «احتمال اینکه یک کنش‌گر در یک رابطه اجتماعی در موقعیتی باشد که اراده خود را به‌رغم مقاومت دیگران اعمال کند، صرف‌نظر از اینکه این احتمال بر چه مبنایی باشد» می‌داند (راش<sup>۱</sup>، ۱۴۷:۱۳۷۷). پارسونز نیز قدرت را «ظرفیت تعمیم‌نیافته برای تضمین اجرای تعهدات الزام‌آور واحدهای مختلف یک نظام یا سازمان جمعی در زمانی که تعهدات به‌دلیل تأثیرشان بر اهداف جمعی، مشروعیت یافته باشد» می‌داند (بابایی، ۱۳۹۱:۱۳۹).

ماکس وبر نیز در تعریف قدرت بیان می‌دارد که «قدرت، امکان خاص یک عامل (فرد یا گروه) به‌خاطر داشتن موقعیتی در روابط اجتماعی است که بتواند گذشته از پایه اتکای این امکان خاص، اراده خود را با وجود مقاومت به‌کار ببندد» (عبدالرحمان، ۱۳۷۳:۸۹). هم‌چنین علامه محمدتقی جعفری از اندیشه‌وران مسلمان، قدرت را این‌گونه تعریف می‌نماید که «قدرت عبارت است از علل حرکت و دگرگونی در اشکال مختلف آن و هیچ تردیدی در این نیست که قدرت، یکی از واقعیات جهان هستی، در قلمرو جهان و انسان است» (بابایی، ۱۳۹۱:۱۴۲).

با توجه به تعاریف اندیشمندان از قدرت می‌توان ویژگی‌های زیر را برای قدرت بیان نمود:

۱. وجود قدرت سیاسی در اعمال آن است نه در ملکیت آن؛
  ۲. قدرت سیاسی اهدافی اجتماعی دارد و در سطح جامعه اعمال می شود؛
  ۳. قدرت سیاسی در نهایت قدرت همگانی است و به عموم تعلق دارد؛
  ۴. قدرت سیاسی، قدرتی انحصارطلب و الزام آور است؛
  ۵. قدرت سیاسی فراگیر است و در بالاترین سطح اعمال می شود و
  ۶. قدرت سیاسی قدرتی نهادینه است (نقیب زاده، ۱۳۷۹: ۱۶۶).
- مدیران و مسئولین ارشد سیاسی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، قدرت سیاسی بسیاری دارند و می بایست آن را در راه خدمت به مردم و تحقق اهداف نظام اسلامی به کار گیرند، اما در برخی از مواقع این قدرت مورد سوء سیاسی، اقتصادی و مالی استفاده قرار می گیرد.
- انسان موجودی است اجتماعی که برای تأمین نیازهای خود باید در اجتماع زندگی کند. زندگی اجتماعی بدون قانون چیزی جز بی نظمی و هرج و مرج مردم را به دنبال ندارد از این رو، قانون دقیق و مجری قدرتمند که به تعبیر دیگر، حکومت و حاکمان هستند، لازمه زندگی اجتماعی و اجرای عدالت اجتماعی است؛ زیرا انسان با توجه به تجربیات گذشته، همواره احتمال سوء استفاده حاکمان و افراد غیر معصوم از قدرت سیاسی را می دهد، به همین دلیل برای اجرای صحیح و عادلانه قانون، نظارت و کنترل قدرت را امری ضروری دانسته که در همه نظام های سیاسی و حقوقی، ضمن پذیرش اصل نظارت بر قدرت، راه کارهای متفاوتی پیشنهاد و اعمال می شود ولی تاکنون نتیجه مطلوب حاصل نشده است. درباره نظارت، تعاریف مختلفی بیان شده است که برخی وظیفه نظارت را، بررسی، ممیزی و ارزشیابی بر کارهای انجام شده یا حین انجام و انطباق آن ها با تصمیمات اتخاذ شده و هم چنین با قانون و مقررات جهت جلوگیری از انحرافات اجرایی دانسته اند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۹۲: ۳۱۵).
- در تعریف دیگر نظارت، به مجموعه عملیاتی گفته می شود که طی آن میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده شده تا از این طریق، نسبت به مطابقت نتایج عملکرد با

اهداف مطلوب اطمینان حاصل شود (ملک افضلی اردکانی، ۱۳۸۲: ۲۲).

در اسلام نظارت بر قدرت و نظارت بر اعمال قدرت یک مسئولیت است، یعنی وظیفه است نه اینکه طبق میل و خواست مردم باشد و هر کس خواست انجام دهد و هر کس نخواست، انجام ندهد بلکه هر فرد خود باید نظارت کند. با توجه به حدیثی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل شده است که «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت» (دیلمی، ۱۳۷۷)، این حدیث مسئولیت همگانی را در جامعه و در همه حوزه‌ها می‌رساند. امر به معروف و نهی از منکر دو کار ویژه مهم را در باب نظارت بر قدرت انجام می‌دهد؛ یکی ایجاد فرهنگی مطلوب و مناسب براساس رواج معروف و نهی از منکر و دیگری مهار قدرت مخصوصاً قدرت سیاسی و اطمینان از کاربرد قدرت در مسیر حق و عدالت توسط حاکمان. باید توجه داشت که با امر به معروف و نهی از منکر اهدافی همچون حفظ امنیت و انجام جامعه، اجرای عدالت و مهار قدرت سیاسی، حفظ ارزش‌ها و ازاله منکر، حسن مسئولیت‌پذیری و ضمانت اجرایی قانون در جامعه محقق می‌شود.

البته در کنار نظارت عمومی مردم بر نظام سیاسی، رسانه‌ها، مطبوعات و هم‌چنین احزاب و گروه‌ها نیز می‌توانند با نظارت بر عملکرد نظام سیاسی، حکومت را در دست‌یابی به اهداف خود کمک نمایند.

هم‌چنین به‌صورت کلی ابهامات دیگری در برخی از اصول قانون اساسی با تأکید بر مسئولیت اجرای قانون اساسی، اختیارات ریاست‌جمهوری، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان، نبود یا تعدد متولی دولتی در مسائل مختلف، نقض یا عدم اجرای قانون اساسی، عدم تمکین در برابر سایر قوا و تعامل با آن‌ها، جایگاه حقوقی شورای انقلاب فرهنگی و ... باید مورد بررسی و امعان‌نظر قرار گیرد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بازنگری و تغییر در اصول و مواردی که شاکله و اساس یک نظام حقوق اساسی را تشکیل می‌دهند، می‌تواند ناظر بر تغییر در یکسری از ارزش‌ها، هنجارها و اصول در قانون اساسی بوده که



چارچوب‌ها و به‌طور کلی ساختار حقوقی - سیاسی یک نظام سیاسی را متحول سازد؛ لذا در راستای روزآمدی و کارآمدی قانون اساسی می‌توان اقدام به بازنگری قانون اساسی کرد. به دیگر سخن، ثبات و مطلوبیت یک قانون اساسی لزوماً به‌معنای آن نیست که گروهی از انسان‌ها در بازه زمانی خاص، اقدام به وضع قواعدی همیشگی برای نظم حقوقی - سیاسی جامعه کنند. عنصر کارآمدی، امری متغیر و نسبت به شرایط مختلف متفاوت است، زیرا کارآمدی یک نظریه و حکومت، از دو عامل توانایی برای دستیابی به اهداف و جلب رضایت عمومی، ناشی می‌شود.

انقلاب اسلامی حادثه بزرگ قرن بیستم بود که تحولی همه‌جانبه در ایران و به‌تبع آن در جهان به‌وجود آورد، بازتاب و دستاوردهای جهانی فراوانی داشت و با احیای تفکر دینی به‌ویژه در صحنه سیاست، جامعه و اداره زندگی بشری، بسیاری از تئوری‌ها و اصول را که قطعی و خدشه‌ناپذیر معرفی شده بودند (سکولاریسم، لیبرالیسم و مدرنیسم) به چالش کشید. اینک با توجه به ورود انقلاب اسلامی به گام دوم و حرکت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی و در راستای روزآمدی و کارآمدی، اقتضات مردم‌سالاری دینی، نهادینه‌شدن نقش و جایگاه احزاب و نهاد‌های دموکراتیک، ایجاد وحدت بین نخبگان فکری و سیاسی، ارتقای نقش فعال در نظام بین‌الملل و جهان اسلام، پرهیز از آزمون و خطا در روابط و مناسبات داخلی و خارجی، نظارت بر قدرت و پاسخ‌گویی به مطالبات اقتصادی و هم‌چنین اقتضات زمانی و تغییر و تحولات جهانی، بازنگری قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران را امری ناگزیر کرده است.

## منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، نگاهی به وجدان کاری و فرهنگ سازمانی با رویکرد دینی، (چاپ اول)، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- آریان‌پور کاشانی، عباس (۱۳۸۲)، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، ج ۴، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- باباپور، محمد؛ گل‌افشانی، مهدی؛ سلطانی، محمدمهدی (۱۳۹۵)، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۳۵.

- بابایی، مرتضی (۱۳۹۱)، سازوکارهای مهار قدرت سیاسی در مذهب شیعه، کهنوج: انتشارات دانشگاه آزاد.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، (چاپ دوازدهم)، تهران: نشر نی.
- جوان آراسته، حسین (۱۳۹۱)، اصل هشتم و ضرورت تأسیس سازمان امر به معروف و نهی از منکر، فصل‌نامه حکومت اسلامی، شماره ۱۷.
- حاجی‌صادقی، عبدالله (۱۳۸۳)، *آسیب‌شناسی ارکان انقلاب اسلامی*، فصل‌نامه حصون، شماره ۲.
- دیلمی، حسن‌بن محمد (۱۳۷۷)، *ارشاد القلوب*، مترجم سیدعبدالحسین رضایی، تهران: نشر الاسلامیه، ج ۱.
- خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۷۹/۲/۱، [khamenei.ir](http://khamenei.ir).
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۰)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار.
- دارابی، علی، سایت الف، ۹۶/۹/۱۱.
- راش، مایکل (۱۳۷۷)، *جامعه و سیاست*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر سمت.
- رحمت‌اللهی، حسین (۱۳۹۴)، «*نظام پارلمانی در ایران با امکان امتناع*»، مهرنامه، شماره ۱۷.
- عبدالرحمان، عالم (۱۳۷۳)، *بنیادهای علم سیاست*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- قاضی شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، تهران: نشر میزان.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *چالش‌های توسعه سیاسی*، تهران: نشر قومس.
- گرگی، علی‌اکبر، سایت سازندگی، ۱۳۹۷/۱۲/۱۵.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، *بحارالانوار*، جلد ۷۲، تهران: نشر اسلامیه، چاپ چهارم.
- ملک‌افضلی اردکانی، محسن (۱۳۸۲)، *نظارت و نهادهای نظارتی*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- منصوری بروجنی، محمد (۱۳۹۶)، *ارزیابی فرایند بازنگری قانون اساسی در چارچوب مردم‌سالاری دینی*، فقه حکومتی، شماره ۳.
- مؤمنی‌راد، احمد؛ بهدادفر، میثم (۱۳۹۶)، *بررسی موانع، زمینه‌ها و راه‌کارهای پارلمانی‌شدن نظام جمهوری اسلامی*، حکومت اسلامی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: سمت، چاپ اول.
- نیکونهاد، حامد؛ مدرس، سیدعبدالسعید (۱۳۹۹)، *امکان‌سنجی نقش‌آفرینی مردم در ابتکار بازنگری قانون اساسی*، مطالعات حقوق عمومی، ۵۰ (۲).
- هریسی‌نژاد، کمال‌الدین (۱۳۹۲)، *حقوق اساسی تطبیقی*، تبریز: نشر آیدین.

- Diamond, L. (2010). Democracy's Past and Future: Why Are There No Arab Democracies?. *Journal of democracy*, 21(1), 93-112.
- Anthony M. Orum, (1983) *Introduction to Political Sociology*, Prentice Hall, pp 72-105
- Bair, C. R., & Haworth, J. G. (1999). Doctoral Student Attrition and Persistence: A Meta-Synthesis of Research. ASHE Annual Meeting Paper.